



دو رسالہ عرفانی

از مؤلفی ناشناخته و ابوعلی دقاق

تصحیح و توضیح
جمشید جعفری جزہ

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
- ابوعلی دقاق، حسن بن محمد، - ۴۰۵ ق.
دورساله عرفانی از مؤلفی ناشناخته و ابوعلی دقاق / تصحیح و توضیح جمشید (عبدالله) جعفری جزء.
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار یا همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۷.
۱۶۳ ص.
مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار؛ ۲۱۷. گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۶۳.
۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۲-۹۱-۰
- وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
یادداشت
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- فیبا
نمایه .
کتابنامه: ص. ۱۵۹.
عرفان
Mysticism
جعفری جزء، جمشید، ۱۳۴۰-، مصحح
BP۲۸۶/الف/۱۳۹۷
۲۹۷/۸۳
۵۴۱۶۶۹۸

دورساله عرفانی
از مؤلفی ناشناخته و ابوعلی دقاق

تصحیح و توضیح

جمشید جعفری جزه

مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۶۳]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری

هیأت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جمفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



دورساله عرفانی

از مؤلفی ناشناخته و ابوعلی دقاق

تصحیح و توضیح جمشید جعفری جزه
گرافیسیت، طراح و مجری جلد کاوه حسن بیگلر
صفحه‌آرا نرگس عباسپور
لیتوگرافی کوثر
چاپ متن آزاده
صحافی حقیقت
تیراژ ۱۱۰۰ نسخه
چاپ اول پاییز ۱۳۹۷

ناشر انتشارات دکتر محمود افشار
خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف‌نسب
تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قننامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - دکتر محمد افشین وفايي (مدیر عامل) - آرش افشار (بازرس)

درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار - کریم اصفهانیان
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمد علی هدایتی

به نام پروردگار

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه.ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت‌نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت‌نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان‌شناسی به‌طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقف‌نامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت‌نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

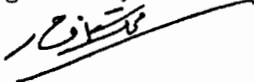
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه گرای و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولید بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزله باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبدا چنین رسالاتی سال ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظیه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زبان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زبان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاز و هوجی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

فهرست

۱۷ اشاره
۱۹ مقدمه زندگی و اندیشه‌های دقاق
۱۹ نگاهی کوتاه به زندگی دقاق
۲۲ دقاق و قشیری
۲۳ دقاق و دیگران
۲۵ ارادت جامی به دقاق
۲۷ مکتب عرفانی و اندیشه دقاق
۲۸ آثار بازمانده از دقاق
۳۱ دو رساله عرفانی منسوب به دقاق
۳۱ رساله فارسی
۳۲ موضوع و محتوای رساله فارسی
۳۳ ویژگی‌های زبانی و سبکی رساله فارسی
۳۵ نویسنده رساله و انتساب آن به دقاق
۳۶ رساله عربی
۴۳ متن رساله فارسی
۴۴ فصل
۴۹ باب اول: در فضیلت صوفی به حقیقت
۴۹ فصل اول: از این کتاب در تفضیل متصوفه
۵۱ فصل دوم
۵۲ فصل سوم: در تفضیل ایشان
۵۵ فهرست کتاب
۵۵ فهرست از رکن دوم
۵۶ فصل اول: در زهد

۵۸	فصل دوم: در تقوی
۶۰	فصل سیوم: در آداب طهارت
۶۲	فصل چهارم: در ذکر
۶۴	فصل پنجم: در مجاهدت
۶۷	اصل: در احوال ظاهر ایشان
۶۷	فصل اول: در جامه و مرقعه پوشیدن
۶۹	فصل دوم: در خوش دلی و خوش رویی و خوش خویی
۷۱	فصل سیم: در خرده‌ها
۷۵	فصل چهارم: در اخلاق ایشان
۷۸	فصل پنجم: در صحبت
۸۰	رکن دوم: در مناقب متصوفه
۸۰	فصل اول: در توکل
۸۲	فصل دوم: در صدق
۸۵	فصل سیوم: در یقین
۸۷	فصل چهارم: در رضا
۸۹	فصل پنجم: در فکرت
۹۱	اصل دوم از رکن دوم
۹۱	فصل اول: در معرفت
۹۴	فصل دوم: در فراست
۹۶	فصل سیوم: در مشاهدت
۹۸	فصل چهارم: در محبت
۱۰۳	فصل پنجم: در سماع
۱۰۷	متن رساله عربی
۱۰۷	باب الإنابت
۱۰۸	باب الإرادة
۱۰۸	باب التقوی
۱۰۸	باب الورع و الحیاء
۱۰۸	باب الزهد
۱۰۹	باب الفقیر
۱۰۹	باب الصبر
۱۰۹	باب الثقة بالله تعالی

۱۰۹	بابُ التَّوَكَّلِ وَ التَّقْوِيضِ وَ التَّسْلِيمِ
۱۱۰	باب الرِّضَاءِ
۱۱۰	باب المِرَاقِبَةِ
۱۱۰	باب المَحَبَّةِ
۱۱۱	بابُ الخَوْفِ
۱۱۱	باب الرِّجَاءِ
۱۱۱	باب الشُّوقِ
۱۱۱	باب الأَنْسِ بِاللَّهِ تَعَالَى
۱۱۳	ترجمه رساله عربی
۱۱۳	باب اثابِت
۱۱۴	باب ارادَت
۱۱۴	باب تقوی
۱۱۵	باب ورع و حیا
۱۱۵	باب زهد
۱۱۵	باب فقر
۱۱۶	باب صبر
۱۱۶	باب اعتماد به خدا
۱۱۶	باب توکل و تقویض و تسلیم
۱۱۷	باب رضا
۱۱۷	باب مراقبه
۱۱۷	باب محبت
۱۱۸	باب خوف
۱۱۸	باب رجاء
۱۱۸	باب شوق
۱۱۸	باب انس
۱۲۱	تعلیقات
۱۲۹	فهرست آیات
۱۳۳	فهرست احادیث
۱۳۵	فهرست لغات و تعبیّرات
۱۴۵	فهرست نام کسان
۱۵۱	فهرست نام کتاب‌ها در متن

۱۵۳ فهرست نام جای‌ها
۱۵۵ فهرست عبارت‌های عربی و دعاها و مأثورات
۱۵۷ فهرست اشعار عربی
۱۵۹ مشخصات منابع و مأخذ

اشاره

ابوعلی دقاق نیشابوری از عارفان نامدار قرن پنجم هجری است که اقوال و سخنانی از او در کتاب‌های عرفان و تصوف نقل شده است، اما هیچ اثر مستقلی از او در دست نداریم. کتاب حاضر دورساله منسوب به این عارف بزرگ را در بر دارد. رساله نخست که مفصل‌تر است و به فارسی نوشته شده از آن دقاق نیست و منسوب به اوست، اما رساله دوم که مختصرتر است و به عربی نوشته شده، به احتمال قریب به یقین، از اوست.

در سرآغاز کتاب به ویژگی‌های این دو رساله و زندگی و گرایش عرفانی دقاق و مسائل مرتبط با این موضوعات پرداخته‌ایم، سپس متن رساله فارسی، متن رساله عربی و ترجمه آن را آورده‌ایم. در پایان کتاب فهرست‌های لازم برای استفاده بهتر از متن رساله‌ها فراهم آمده است. این فهرست‌ها مختص متن رساله‌هاست و مقدمه را شامل نمی‌شود.

این کتاب روایت پیراسته و تکمیل شده رساله دانشگاهی نگارنده است. در اینجا بایسته است که از استاد فرزانه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی که اگر همت و تلاش ایشان نبود این نسخه خطی به دست ما نمی‌رسید سپاسگزاری کنیم. راهنمایی‌ها و تشویق‌های این استاد گرانمایه همواره دشواری‌ها را آسان کرده است، نیز از استاد دانشمند دکتر اصغر دادبه که راهنمایی این رساله را به عهده داشته‌اند و همچنین از استاد ارجمند دکتر بهرام پروین‌گنابادی که زحمت مشاوره آن را کشیده‌اند قدردانی می‌شود. در پایان بر خود لازم می‌دانم از برادر عزیزم دکتر مسعود جعفری استاد دانشگاه خوارزمی که همواره از دانش سرشارش بهره می‌برم و در این کار هم یار و یاور من بوده است سپاسگزاری کنم.

مقدمه

زندگی و اندیشه‌های دقاق

ابوعلی دقاق (درگذشت: ۴۰۵) از مشایخ بزرگ تصوف خراسان در قرن چهارم و پنجم هجری است که تاکنون اثری مستقل از وی به دست نیامده و اقوال پراکنده‌ای از او در متون عرفانی از قبیل رساله قشیریه، تذکرة الأولیاء، کشف المحجوب، کشف الأسرار و نفحات الأنس نقل شده است. دو رساله‌ای که متن آنها در پی این مقدمه آمده است، تنها آثار منسوب به دقاق است. این رساله‌ها از جهات گوناگون اهمیت دارند و شناخت ما را از تصوّف و عرفان خراسان کامل‌تر می‌کنند.

نگاهی کوتاه به زندگی دقاق

ابوعلی حسن بن علی بن محمد بن اسحاق بن عبدالرحیم بن احمد، معروف به دقاق، از آن رو به این لقب نامیده شده که پدرش آردفروش بوده است. ابوعلی دقاق در نیشابور به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی خود را در همان شهر به پایان برد و در نحو عربی سرآمد همگنان شد و به ابوعلی نحوی شهرت یافت.^۱ وی سپس به علم اصول پرداخت و بعد از آن به مرو رفت تا در علم فقه تحصیل کند. دقاق در مرو به محضر محمد بن احمد خضری راه یافت،

۱. الفارسی، ابوالحسن: المنتخب من السیاق لتاریخ نیشابور، ص ۲۳۳.

در فقه به اجتهاد رسید و از محضر فقیه بزرگ، قفال مروزی، هم بهره برد.^۱
 برخی صاحب‌نظران برآنند که سفر دقاق به مرو صرفاً برای تحصیل علم فقه نبوده و با
 گرایش‌های صوفیانه او و تعلق خاطرش به صوفیان هوادارِ حلاج در خراسان مرتبط بوده
 است و یا حتی دلایل سیاسی داشته زیرا قدرت اشعریان شافعی در نیشابور در آن زمان رو
 به کاهش بوده است.^۲

سفر دقاق به مرو هر انگیزه‌ای داشت موجب کامیابی و توفیق او شد. او در دوران اقامت
 در مرو، علاوه بر این که در علم فقه به کمال رسید، از محضر محدثان نامدار خراسان نیز
 بهره‌مند شد.^۳ عطار نیز به مقام والای او در «احادیث و تفسیر»^۴ در کنار دیگر فضایلش
 اشاره کرده است. با این همه، درخشش او در عرصه عرفان و تصوف رخ نمود و
 صاحب‌نظران از همان دوران قدیم به جای این که بر دانش او در فقه و حدیث تأکید کنند، او
 را «شیخ صوفیه» لقب داده‌اند و جایگاه والای او در عرفان را مهم شمرده‌اند.^۵

ظاهراً گرایش عمیق او به تصوف و عرفان در همان سال‌های اقامت در مرو آشکار شده
 است ولی درباره جزئیات زندگانی معنوی او در ابتدای سیر و سلوکش چندان اطلاعی در
 دست نیست. عطار در تذکرة الأولیاء به صراحت می‌گوید: «ابتدا در مرو بود که واقعه بدو
 فرود آمد.»^۶ از یک حکایت اسرارالتوحید^۷ که در نفعات‌الأنس^۸ هم به آن اشاره شده چنین
 برمی‌آید که ابوعلی شبویی او را به راه عرفان و تصوف هدایت کرده است، اما نمی‌توان به
 روشنی در این باره سخن گفت و برخی از محققان در صحت این موضوع تردید کرده‌اند.^۹

۱. همان، ص ۳-۲۳۲؛ سبکی، تاج‌الدین: طبقات الشافعیة الکبری، ج ۴، ص ۳۲۹.

2. Chabbi, J: "Abū A'li Daqqāq".

۳. الفارسی، ابوالحسن: المنتخب، ص ۲۳۵؛ مقایسه شود با Chabbi.

۴. عطار نیشابوری، فریدالدین: تذکرة الأولیاء، ج ۲، ص ۱۸۸.

۵. الذهبی، شمس‌الدین محمد: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۶۴؛ مقایسه شود با دیدگاه Chabbi. ابوالحسن الفارسی
 به صراحت می‌گوید که هر چند سماع حدیث داشته ولی فقط چند تن - از جمله دخترش فاطمه - از او حدیث نقل
 کرده‌اند (المنتخب، ص ۶-۲۳۵).

۶. عطار نیشابوری، فریدالدین: تذکرة الأولیاء، ج ۲، ص ۱۸۸.

۷. محمد بن منور: اسرارالتوحید، ج ۱، ص ۱-۲۵۰.

۸. جامی، عبدالرحمان: نفعات‌الأنس، ص ۳۰۰.

9. Chabbi, J.: *ibid.*

دقاق سپس عازم مکه و سفر حج شد و در راه بازگشت به خراسان در منطقه ری و جبال به وعظ و ارشاد پرداخت.^۱ از عبارت ابوالحسن الفارسی چنین برمی آید که سیر و سلوک دقاق اساساً پس از سفر حج او و بازگشتش به خراسان آغاز شده است. دقاق در این مرحله از زندگی اش به خدمت ابوالقاسم نصرآبادی رسید و در سایه ارشاد و هدایت او مراحل کمال سیر و سلوک را طی کرد.^۲

دقاق در تصوف به مقامی بلند رسید و بزرگان از همه جا در مجلس وعظ او حاضر می شدند. مجالس وعظ و ارشاد دقاق بسیار پر جاذبه بوده است. وی علاوه بر این که صبح های جمعه در مسجد ابوبکر مطرز موعظه می کرده، در بازار و محل های دیگر هم مجلس وعظ بر پا می کرده است.^۳ دقاق بعدها مدرسه خاص خودش را در نیشابور بنا کرد و در آنجا به تدریس و تعلیم پرداخت و بیش از پیش مشهور شد.^۴

دقاق در همان حال به شهرهای دیگر خراسان از جمله مرو و نسا رفت و آمد می کرده و در نقاط مختلف به وعظ و ارشاد می پرداخته است. این رفت و آمدها در سال های پایانی عمر او بیشتر شده است. شیخ الاسلام انصاری در طبقات الصوفیه آورده است که «وی هر سال به جایی رفتید؛ به شهری دیگر. آخر باز آمدید.»^۵ جامی نیز در نفحات الأنس همین سخن خواجه عبدالله انصاری را نقل کرده است.^۶ دقاق در یکی از همین سفرها خانقاه سراوی را در شهر نسا بنا نهاد. بنا بر گفته مؤلف اسرارالتوحید،^۷ دقاق در خواب پیامبر را دید و به اشارت او و به دست خودش سنگ بنای این خانقاه را گذاشت.

از اشاراتی که در منابع آمده می توان پی برد که دقاق در واپسین روزهای زندگی اش دچار

۱. الفارسی، ابوالحسن: المنتخب من السياق، ص ۲۳۴؛ سبکی، تاج الدین: طبقات الشافعية الكبرى، ج ۴، ص ۳۳۰.
۲. الفارسی، ابوالحسن: همان، ص ۲۳۳؛ سبکی، تاج الدین: همان، ج ۴، ص ۳۲۹؛ عطار نیشابوری، فریدالدین: تذکرة الأولیاء، ج ۲، ص ۱۸۸؛ قشیری، ابوالقاسم: ترجمة رسالة قشیریه، ص ۵۰۸.
۳. الفارسی، ابوالحسن: همان، ص ۲۳۴.
۴. همان، همان جا.
۵. انصاری هروی، ابواسماعیل: طبقات الصوفیه، ص ۶۳۰.
۶. جامی، عبدالرحمان: نفحات الأنس، ص ۲۹۷؛ مقایسه شود با Chabbi.
۷. محمد بن منور: اسرارالتوحید، ج ۱، ص ۳۹.

شوریدگی و آشفته‌گی بوده و از همین رو وعظ‌های پرشور او جای خود را به سخنانی ابهام‌آمیز داده است.^۱ در این دوران تعدادی اندک شمار از مریدان خاص دقاق در محضر او حاضر می‌شده‌اند. عطار، با اشاره به این واقعیت، سخن خواجه عبدالله انصاری را نقل کرده که می‌گوید: «چون بوعلی دقاق را سخن عالی شد مجلس او از خلق خالی شد.»^۲

ابوعلی دقاق در ذی‌حجه یا ذی‌قعدة سال ۴۰۵ ه.ق. در شهر نیشابور درگذشت.^۳ در برخی منابع سال وفات او را ۴۰۶ ذکر کرده‌اند^۴ که درست به نظر نمی‌رسد.^۵ دقاق در شهر نیشابور دفن شد. به گفته خلیفه نیشابوری، «استاد ابوعلی دقاق و استاد ابوالقاسم قشیری و محمد بن یحیی، رَحْمَهُمُ اللّٰه، در یک حظیره‌اند در شهر قدیم در قبله کهن دیز.»^۶

دقاق و قشیری

در همان زمان که دقاق در مدرسه خود به تدریس اشتغال داشت و در مسجد مطرز وعظ می‌گفت، ابوالقاسم قشیری از منطقه استوا در نزدیکی مشهد عازم نیشابور شد تا علم حساب بیاموزد و بتواند برای حمایت از حق مردم روستای خود در مقابل مأموران خراج و مالیات اقدام کند، اما از روی اتفاق گذارش به محضر دقاق افتاد و شیفته او شد و تحت ارشاد و تعلیم او قرار گرفت.^۷ ابوالحسن الفارسی به صراحت می‌گوید که قشیری طریقت خود در تصوف را از دقاق گرفت.^۸

۱. عطار نیشابوری، فریدالدین: تذکرة الأولیاء، ج ۲، ص ۹-۱۹۸.

۲. همان، ص ۱۹۹.

۳. الفارسی، ابوالحسن: المنتخب، ص ۲۳۵؛ انصاری هروی، ابواسماعیل: طبقات الصوفیه، ص ۶۳۰؛ سبکی، تاج‌الدین: طبقات الشافعیة الکبری، ج ۴، ص ۳۳۰.

۴. از جمله الذمبی، شمس‌الدین محمد: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۶۴.

۵. سبکی تصریح کرده است که سال ۴۰۶ نادرست است و دقاق در سال ۴۰۵ درگذشته است (طبقات الشافعیة الکبری، ج ۴، ص ۳۳۰). در برخی منابع سال ۴۱۲ نیز به عنوان سال درگذشت دقاق ذکر شده است. در این باره رجوع شود به لاشیء، حسین: «ابوعلی دقاق»، ص ۴۰.

۶. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله: تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، ص ۲۲۶.

۷. الفارسی، ابوالحسن: المنتخب، ص ۵۲۴؛ ابن خلکان، احمد بن محمد: وفيات الأعیان، ج ۳، ص ۲۰۶.

۸. الفارسی، ابوالحسن: همان، ص ۵۲۹.

قشیری در نزد دقاق جایگاهی ممتاز یافت و دقاق دختر خود فاطمه را که اهل علم و معرفت بود به عقد ازدواج قشیری درآورد. قشیری شاگرد خاص و میراث‌دار معنوی عرفان دقاق است. او که برخلاف دقاق اهل «مقام» و «تمکین» بود و دستی در تألیف و نگارش داشت، در باب‌های مختلف رساله قشیریه، به مناسبت، برخی سخنان دقاق را نقل کرده است. همچنین در برخی حکایت‌های آن کتاب هم به یاد و نام دقاق اشاره شده است. برخی از این حکایات گویای ارادت خاص قشیری به دقاق است. قشیری بسیاری از اقوال صوفیان را به نقل از دقاق و با عبارت‌هایی چون «از استاد ابوعلی شنیدم که گفت...»^۱ یا «دقاق گوید...»^۲ یا «استاد ابوعلی دقاق گوید...»^۳ نقل می‌کند.

دقاق و دیگران

نگاهی گذرا به کتاب المنتخب من السیاق لتاریخ نيسابور نشان می‌دهد که دقاق در زمان حیاتش در حلقه‌های صوفیانه نقش و حضوری تأثیرگذار داشته است. برخی از صوفیان عصر شاگرد یا مصاحب دقاق بوده‌اند.^۴ پیوند علمی و خانوادگی دقاق با قشیری نیز در رواج آموزه‌های دقاق مؤثر بوده است، زیرا بخشی از میراث معنوی دقاق از طریق تعلیم و تربیت به قشیری رسیده است و بخش دیگری از آن از طریق دخترش فاطمه که همسر قشیری بوده به نسل‌های بعدی منتقل شده است.^۵ نام و یاد دقاق، علاوه بر رساله قشیریه، در بسیاری از متون عرفانی و ادبی هم آمده است. از جمله در اسرارالتوحید برخی سخنان دقاق نقل شده و داستان بنا نهادن خانقاه سراوی به دست دقاق و به اشارت پیامبر به تفصیل آمده است.^۶ هجویری در

۱. قشیری، ابوالقاسم: ترجمه رساله قشیریه، ص ۲۱۲، ۴۰۳، و...

۲. همان، ص ۴۱۶.

۳. همان، ص ۱۹۳.

۴. الفارسی، ابوالحسن: المنتخب، ص ۵۲، ۸۹، ۱۳۱، ۳۲۰، ۴۸۱ و...

۵. درباره اهمیت قشیری و فاطمه دختر دقاق در انتقال میراث معنوی دقاق، رجوع شود به الفارسی، ابوالحسن:

المنتخب، ص ۵۲۵، ۶۹۲.

۶. محمد بن منور: اسرارالتوحید، ج ۱، ص ۳۹.